

2333

۲۰

۸۲

سیر اندیشه کلام و مکاتب اسلامی

(با تأکید بر مکتب اشعری در عصر سلجوقی)

(معتزله، اشعریان، ماتریدیه، کرامیه و شیعه)

دکتر محمد علی ساکی

سرشناسه	: ساکی، محمدعلی
عنوان و نام پدیدآور	: سیر اندیشه کلام و مکاتب اسلامی با تأکید بر مکتب اشعری در عصر سلجوقی (معتزله، اشعریان، ماتریدی، کرامیه و شیعه)
موضوع	: محمدعلی ساکی
مشخصات نشر	: قم: نسیم کوثر، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	: ۵۲۰ ص.
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۲۴۰-۳۸۸-۲
وضعیت فهرست نویسی	: فیا
موضوع	: کلام -- تاریخ
موضوع	: Islamic theology -- History
موضوع	: اسلام -- فرقها -- عقاید
موضوع	: Islamic sects -- Doctrine
موضوع	: کلام اشعری
موضوع	: Ashari theology
موضوع	: کلام معتزله
موضوع	: Motazilites theology
موضوع	: کلام شیعه
موضوع	: Shiites theology
موضوع	: کلام ماتریدی
موضوع	: Maturidiyah theology
موضوع	: ایران -- تاریخ -- سلجوقیان، ۴۲۹ - ۵۹۰ ق.
موضوع	: Iran -- History -- Seljuks, ۱۰۲۷-۱۱۹۴
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۷ ق. ۹۰۸ BPT
رده بندی دیویی	: ۲۹۷.۴۹
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۵۰۰۱۱



انتشارات نسیم کوثر

قم - خیابان دورشهر (شهید فاطمی) - کوچه ۳ - فرعی ۱۴ - پلاک ۴۸
روابط عمومی: ۰۲۵-۳۷۷۳۴۳۷۷ دفتر فروش: ۸-۳۷۸۳۰۵۶۷

شناسنامه

- * عنوان: سیر اندیشه کلام و مکاتب اسلامی (با تأکید بر مکتب اشعری در عصر سلجوقی) (معتزله، اشعریان، ماتریدی، کرامیه و شیعه)
- * مؤلف: محمد علی ساکی
- * ناشر: نسیم کوثر
- * چاپ: چاپخانه ذاکر
- * نوبت چاپ: اول / ۱۳۹۸
- * تیراژ: ۲۰۰ نسخه
- * قیمت: ۸۵۰۰۰ تومان



تقدیم به

همه معلمان و استادانی

که در طول تاریخ، حافظان و مشعلداران علم و دین بوده‌اند؛

به ویژه

معلمان و استادانی که در طول تحصیل از محضرشان بهره‌ها برده‌ام...

فهرست مطالب

۹	پیشگفتار.....
۱۳	چکیده.....
۱۵	مقدمه.....

فصل اول: مفاهیم نظری و سیر اندیشه علم کلام اسلامی

۲۳	مدخل.....
۲۶	اهمیت موضوع تحقیق.....
۲۷	تعاریف و مفاهیم نظری.....
۳۴	سابقه تاریخی مباحث کلامی در دوره اسلامی.....
۳۹	عوامل ظهور علم کلام.....
۴۵	معانی و موضوع علم کلام.....
۵۴	رابطه علم کلام با شکل گیری مکاتب.....
۵۵	روش تحقیق در علم کلام.....
۵۶	دلیل نامیدن علم عقاید به علم کلام.....
۵۹	نقش متکلمین و فواید علم کلام از منظر آنها.....
۶۶	موارد اختلاف متکلمین و پیدایش فرقه ها.....
۶۸	ادوار، مراحل و عوامل مؤثر در علم کلام اسلامی.....
۷۱	کلام در دوره امویان.....
۷۳	کلام در دوره نخست عباسیان.....
۷۷	فرق و مذاهب کلامی در دوره اسلامی.....

جمع بندی	۸۴
----------------	----

فصل دوم: چگونگی شکل‌گیری و دلایل تضعیف و افول معتزله

مدخل	۸۹
عوامل و زمینه‌های شکل‌گیری مکتب معتزله	۹۱
علت نامگذاری مکتب معتزله	۱۱۰
اصول و شاخصه‌های مکتب معتزله	۱۱۲
شخصیت‌های مهم معتزله	۱۱۷
فرقه‌های معتزله	۱۲۷
دلایل حمایت خلفای عباسی از مکتب معتزله	۱۲۸
رقبای مکتب معتزله	۱۳۰
زمینه‌های تهاش مشروعیت مکتب معتزله	۱۳۱
عوامل مؤثر در افول مکتب معتزله	۱۳۶
جمع بندی	۱۴۴

فصل سوم: اشعریان از شکل‌گیری تا نظام‌مندی عصر پیش از سلجوقی

مدخل	۱۴۹
زمانه ابوالحسن اشعری	۱۵۷
افکار، مذهب و شخصیت علمی ابوالحسن اشعری	۱۶۱
نقش مناظره در تحول فکری ابوالحسن اشعری	۱۶۴
دلایل جدایی ابوالحسن اشعری از مکتب معتزله	۱۷۴
نوآوری‌های فکری - کلامی ابوالحسن اشعری	۱۷۸
دیدگاه اشعری و خلافت	۱۸۳
تبیین مبانی اشعری در عصر نظام‌مندی	۱۸۵
دلایل تقویت و نفوذ مکتب اشعری	۲۰۶
اصول اعتقادی و شاخصه‌های مکتب اشعری	۲۱۶
فرقه‌های مکتب اشعری	۲۳۱

۲۳۵.....	مکتب اشعریان در عصر آل بویه
۲۳۹.....	جمع بندی

فصل چهارم: برآمدن سلجوقیان و رشد و دگرگونی جریان اشعری

۲۴۳.....	مدخل
۲۴۵.....	سلجوقیان و پدید آمدن تحول در جریان اشعری
۲۴۸.....	تشکیل حکومت سلجوقیان
۲۵۰.....	رابطه خلافت و سلطنت در عصر سلجوقیان
۲۵۸.....	پیامدهای سیاسی - اجتماعی حکومت سلجوقیان
۲۷۰.....	عوامل مؤثر در رشد و دگرگونی جریان اشعری در عصر سلجوقیان
۲۸۰.....	نقش عالمان در گسترش جریان اشعری در عصر سلجوقیان
۳۲۸.....	مراتب و طبقات علمای جریان اشعری
۳۳۵.....	خلفای عباسی و جریان اشعری
۳۵۵.....	سلاطین سلجوقی و جریان اشعری
۳۷۳.....	وزرای سلجوقی و جریان اشعری
۴۰۳.....	پیامدهای جریان اشعری
۴۰۶.....	ویژگی‌های تطور جریان اشعری
۴۱۵.....	چالش‌های جریان اشعری
۴۱۸.....	تطبیق اصول و اندیشه‌های جریان اشعری، معتزله و اهل حدیث
۴۳۶.....	جمع بندی

فصل پنجم: راهبرد فرق و مکاتب رقیب جریان اشعری در عصر سلجوقیان

۴۴۱.....	مدخل
۴۴۲.....	راهبرد مکاتب و فرق مذهبی در عصر سلجوقیان
۴۵۰.....	تصوف در عصر سلجوقیان
۴۵۵.....	فرقه کرامیه در عصر سلجوقیان
۴۵۸.....	شعب و ویژگی‌های فرقه کرامیه

فرقه ماتریدیه در دوره سلجوقیان	۴۶۲
فرقه اسماعیلیه در عصر سلجوقیان	۴۶۸
شیعیان امامیه در دوره سلجوقیان	۴۷۶
نقش امامیه در علم کلام	۴۷۹
چهره‌های مهم فقه و کلام امامیه پیش از سلجوقیان	۴۸۲
نتیجه‌گیری	۴۹۰
کتابنامه و مآخذشناسی	۴۹۹

پیشگفتار

تاریخ فرق و مکاتب اسلامی دارای پیچیدگی‌های زیادی است که ریشه در جریانات و دگرگونی‌های فکری، سیاسی و اجتماعی جهان اسلام دارد. این تاریخ از ابعاد گوناگون مورد توجه محققین و اندیشه ورزان اسلامی و غیر اسلامی قرار گرفته است و جلوه‌هایی از این گستره پیچیده نمایان شده، اما ابعاد و زوایایی از آن همچنان مکتوم و مستور مانده است. تحقیق در باره فرق و مکاتب و تحول جریانات فکری نیازمند توجه به علم کلام، سر تقدم تاریخی فرق و مکاتب و چگونگی تحول و تطور در آنها است. اشکالی با تاریخ مذاهب و مکاتب فکری اسلامی و ریشه یابی علل و انگیزه‌های پیدایش و چگونگی گسترش آنها از مهمترین موضوعات دانش فرقه‌شناسی و ملل و نحل است و پژوهشگران تاریخ نیازمند شناخت آن هستند.

بحث و جدل در باب عقاید گروهها، جماعت‌ها، مکاتب، مذاهب بدید می‌آید و همین امر باعث پیدایش راههای مختلفی برای تدوین عقاید، یافتن راههای بهتر برای اقناع دیگران، پیدا کردن نقاط ضعف احتمالی مکتب و تلاش برای توحید و تأویل آنها و... می‌شود. بدون تردید ترویج عقاید یک مکتب و گسترش آن آرزوی حقیقی پیروان آن مکتب است. بنابر این، برای استمرار مکاتب از شکل‌گیری و

اثبات حقانیت عقاید شروع می شود، مرحله دوم به تبیین، تفسیر و تثبیت آن اقدام می کنند، در مرحله سوم، نفوذ و گسترش مد نظر است. با این توضیحات باید گفت که، علم کلام به بررسی اندیشه‌های اعتقادی، تحولات مبانی عقیدتی و سیر امور کلامی می‌پردازد. اهمیتی که دین در نزد مسلمین داشت و به آن جهت همه چیز دیگر در واقع فرع و تابع آن محسوب می‌شد، سبب گشت که اهل تحقیق توجه خاص به عقاید و مذاهب اقوام مختلف پیدا کنند و ارتباط و تماس دائم با پیروان ادیان و شرایع موجود در قلمرو اسلامی داشته باشند، این امر منتهی به پیدایش علم ملل و نحل و علم کلام شد. علم کلام اسلامی نیز، مانند سایر علوم با حدودی مشخص شهرنشینی و آشنایی با تمدن بود و به دلیل اینکه موالی، بیش از اعراب با زندگی شهری و تمدن آشنایی داشتند، در علم کلام پیشرفت کردند و انهم به سبب تمدن رسوخ یافته در آنها بود. تمدن و مکاتب اسلامی از عوامل درونی و بیرونی تأثیر گرفته‌اند که در فصول این تحقیق به نقش آنها در ظهور و افول مکاتب اشاره خواهد شد.

شاید کسانی به این بیندیشند که تفاوت جریان و مکتب در چیست؟ به هر مکتب فکری نمی‌توان جریان گفت، جریان باید با تأثیر متعددی داشته باشد، به این معنی که عده‌ای از آن تفکر حمایت کنند، حداقل مورد اعتنا عده‌ای باشد و مورد نقد و بررسی قرار گیرد. جریان فکری - سیاسی دارای مبداء، امشاء، مسیر یا بستر و مقصد یا هدفی است که در آن روان است. هدف یک جریان، تسلط بر حاکمیت سیاسی در یک جامعه و استقرار ارزش‌ها و نظام سیاسی مورد نظر است. مکتب اشعریان در دوره آل بویه در حال رکود بود، اما با روی کار آمدن سلجوقیان تبدیل به یک جریان شد و با ظهور علماء و بزرگانی چون، امام ابوالمظفر اسفرائینی، امام الحرمین جوینی، خواجه نظام الملک توسی و امام محمد

غزالی دچار گسترش و دگرگونی شد. در علم کلام از دو برهان استفاده شده: برهان عقلی و برهان نقلی، در مکاتب، برهان فلسفی - عقلی کاربرد دارد، اما برهان نقلی بیشتر در تاریخ مورد استفاده قرار می‌گیرد، لذا با توجه به موضوع تحقیق که تاریخی است، تأکید بر جریان شده تا وارد مباحث فلسفی نگردیم. هر چند که بر حسب نیاز و ضرورت از بعضی مفاهیم فلسفی استفاده شده است.

در این تحقیق هدف اصلی، سیر شکل‌گیری علم کلام در دوره اسلامی و نقش آن در روند شکل‌گیری مکاتب اسلامی با تأکید بر مکتب اشعری در عصر سلجوقی است، برای تکمیل و پیوستگی موضوع به مکاتب ماتریدیه، کرامیه و شیعیان امامیه و اسماعیلیه که در قرن پنجم و ششم فعال بودند، توجه شده است. از آنجایی که، علم کلام و مکاتب لازم و ملزوم یکدیگرند، کمتر کتابی یافت می‌شد که این دو موضوع در یک جلد تدوین شده باشد و دسترسی دانشجویان را تسهیل کند، که این امر هم، هدف فرعی این تحقیق بود. در طی مراحل تحقیق با محدودیت‌هایی مواجه شدم، از جمله دسترسی به بعضی از منابع غیرممکن بود. تنوع در تحقیق موضوعات کلامی، فرق و ملل، مکاتب فکری و تاریخ دوره سلجوقی می‌توانست تمرکز موضوعی، تخصصی و محدود این موضوعات مهم را دچار خلل نماید. از طرفی تلاش بر این بود که تحلیلی بی‌طرفانه و به دور از داوری و ارزش‌گذاری به طالبان علم ارائه نمایم که این امر، مستلزم وقت و رعایت معیارهای یک تحقیق بود.

بی‌گمان در این نوشته کاستی‌ها، سهو و نسیان‌های فراوانی راه یافته است که نویسنده بر آن وقوف ندارد. با تمام تواضع درس خواهم آموخت از کسانی که مرا در راه فهم کاستی‌ها و اشتباهات یاری رسانند. در مراحل این تحقیق از

راهنمایی‌های خانم دکتر محبوبه شرفی، خانم دکتر نیره دلیر بهره برده‌ام که وظیفه خود می‌دانم از عنایت آنها سپاسگزاری نمایم. از آقای میثم موحد که در ویرایش متون همکاری نمودند و خانم مهندس الهه آقارضایی که با دقت، تایپ این تحقیق را تقبل نمودند، تشکر خود را ابراز می‌دارم. امید آنکه علم و عالم همیشه مورد توجه و احترام باشد، همان طور که اسلام تأکید نموده است. انشاء الله

mosabroj@gmail.com

محکیده

اگر منشأ ظهور کلام را عوامل درونی جامعه اسلامی به شمار آوریم، رشد آن بی‌شک و اما با عوامل بیرونی یا خارجی است. از نخستین عوامل بیرونی حمله‌های کلامی برخی از پیروان ادیان مسیحی، یهودی، مانوی و نیز زنادقه بودند که از نظر فکری به منطق ارسطویی مجهز بودند. عامل مهم دیگر، ترجمه آثار فیلسوفان یونانی و اندیشه‌های آنان از زبان یونانی به عربی و انتقال این اندیشه‌ها به دنیای اسلام بود. نضج و شکل‌گیری علم کلام و مباحث آن با حسن بصری (۱۱۰-۲۱۰ ه.ق) در بصره و با سر برادران نخستین معتزلیان واصل بن عطاء الغزال (۱۳۱-۸۰ ه.ق) در سده دوم هجری آغاز شد. واصل بن عطاء مؤسس مکتب معتزله بوده و از صاحب نظران بنام این مکتب نیز به شمار می‌رود. واصل بن عطاء شاگرد حسن بصری بود. در بصره با شخصیت‌های بزرگی، نظیر جهم بن صفوان مؤسس فرقه جهمیه و بشار بن برد آشنا شد.

پس از وفات واصل، علمای معتزله راه او را ادامه دادند تا رسید به علی جبایی و شاگرد وی ابوالحسن اشعری. معتزله در مباحث خود به استدلال‌های عقلی و فلسفی متکی بودند. مکتب معتزله در عصر مأمون، معتصم و واثق در اوج ترقی بود و مذهب دولتی و رسمی شد. معتزله پس از کسب جایگاه سیاسی، به تفتیش اندیشه مردمان روی آوردند، به گونه‌ای که این دوره، به دوره محنت مشهور شد. اما در عصر متوکل اکثر مردم با معتزله به مخالفت برخاستند و آنها را مورد شکنجه و آزار قرار دادند. درگیری‌هایی میان معتزله و اهل حدیث به وجود آمد که منجر به زمینه سازی و پیدایش مکتب واسطه‌ای توسط ابوالحسن اشعری شد.

ابوالحسن اشعری با برخورداری از شرایط و زمینه‌های ممکن، توانست بر ضعف مکتب کلامی معتزله فائق آید و طرح نوینی از این علم را ارائه کند، پس از وفات او، ابوالحسن باهلی و ابوعبدالله بن مجاهد اشاعره را استحکام بخشیدند. اما تثبیت و تقویت آن به دست امام الحرمین جوینی و سایر بزرگان و عالمان پیرو این مکتب صورت گرفت، تا جایی که به عنوان کلام رسمی جامعه اهل تسنن تثبیت گردید. پس از روی کار آمدن سلجوقیان، رابطه نزدیکی میان مذهب شافعی و مکتب اشعری و خلافت عباسی به وجود آمد. ظهور خواجه نظام الملک و امام محمد غزالی انقلابی در فقه شافعی و مکتب اشعری پدید آورد. نظام الملک با تأسیس مدارس نظامیه و همکاری عالمان بزرگ اشعری مسلک، زمینه گسترش روز افزون جریان اشعری را فراهم کرد. بنابر این، تمرکز این تحقیق، سیر شکل‌گیری علم کلام و نقش آن در ظهور مکاتب معتزله و اشاعره با تأکید بر رشد و دگرگونی جریان اشعری در عصر سلجوقی است.

واژگان کلیدی: علم کلام، معتزله، اشعریان، خلفای عباسی، سلجوقیان

مقدمه

اهمیت مکاتب فکری بعد از رحلت پیامبر اسلام ﷺ بر سرجانشینی و خلافت و روی کار آمدن خلفای راشدین مورد توجه قرار گرفت، اما در تحلیل کلی موضوع به نظر می‌رسد پس از شهادت علی علیه السلام و به قدرت رسیدن امویان، فتوحات اسلامی متوقف شد و مسلمانان که در شهرها مستقر شده بودند، به تحقیق درباره مسائل دین روی آوردند. در حالی که ابتدا، ایمانی ساده داشتند و در مسئله وحی چون و چرا نمی‌کردند، از این پس همه چیز را به سه دلیل مهم با عقل محک می‌زدند: اول اثبات حقیقت مکتب خود. دوم تبلیغات و جذب افراد. سوم مبارزه و غلبه بر دشمنان و رقبای مذهب و مکتب خود. بدین گونه می‌توان به یکی از تغییرات بنیادین روحیه فرهنگی حاکم بر قلمرو بزرگ اسلامی آن روزگار پی برد و آن فلسفی شدن یا عقلانی شدن امور بود، به عبارت دیگر فضایی فراهم آمد که مسلمانان ناگزیر شدند، برای تفهیم مسائل مورد نظر خود از امور عقلی کمک بگیرند. این هم به سبب حضور عناصر غیر عربی در تمدن اسلامی بود، چرا که عرب‌ها در آغاز تمدن اسلامی، بنا به مقتضای احوال باده نشینی و دوری از شهر، علم و صنعت چندان نمی‌داشتند.

مباحث کلامی زمانی شدت یافت که جوامعی درباره مسائل لاهوتی بحث و مناظره می‌کردند به اسلام گرویدند، چرا که فتوحات اسلامی عناصر جدیدی را وارد دین کرده بود. بنا به آموزه‌های دین اسلام، حق آزادی عقیده و اجرای مراسم

دینی خود را داشتند. این افراد به صورت مستقیم یا غیرمستقیم، پرسش‌هایی را برای افراد عامی که با آنان در جامعه ارتباط داشتند، مطرح می‌کردند و از این فراتر مسائلی را برای عالمان دینی پدید می‌آوردند. افزون بر این، گرایش مسلمانان به تبلیغ مبانی دینی خود از یک سو و اعتقاد آنان به ختم نبوت با بعثت محمد ﷺ و نسخ سایر ادیان از سوی دیگر، زمینه بحث و جدل در میان مسلمانان و پیروان ادیان دیگر را پدید می‌آورد. از این رو لازم بود که مسائل اعتقادی در قلمرو اسلامی به نحوی شایسته ساماندهی شود. از سوی دیگر انتقال مقر حاکمیت اسلامی از شهرهای مکه و مدینه به کوفه و بصره، از لحاظ سیاسی نیز سرکویت خاصی به این بخش از قلمرو اسلامی داده بود و بیشتر افرادی که داعیه سیاسی و یا نظریه حکومتی داشتند یا در این منطقه بودند، دارای پایگاهی بودند.

فضای کلی حاکم بر مراکز مهم سیاست و اندیشه در قلمرو اسلامی، نوید زاده شدن پدیده‌ای نو را می‌داد، اما پدیده‌ای که بخش از همه امور پا به عرصه وجود گذاشت، نقد قدرت و بحث درباره حاکمیت قلمرو اسلامی بود، چرا که پس از تشکیل حکومت اسلامی پیامبر ﷺ در مدینه، مسئله تعیین و نوع اعطای حق حاکمیت تقریباً مشخص شد و دست کم نسبت به قبل از اسلام تکامل یافته‌تر شد، اما پس از پیامبر ﷺ چنانکه گذشت، تعیین خلیفه پیامبر ﷺ و یا امام مسلمین، موضوع مورد اتفاقی نبود که همه جناح‌های صاحب نظر درباره آن هیچ مسئله و مشکلی نداشته باشند. این دوران در سایه آموزه‌های پیامبر ﷺ مسیری شد و سوء قصد به شخصیت‌هایی نظیر خلیفه دوم، تنها، طرح اصلی مسلمانان یعنی فتوحات اسلامی را مختل کرد، اما حادثه‌ای که افزون بر ایجاد اختلال، پرسش‌های مهمی پدید آورد، قتل خلیفه سوم بود. این مسئله چنان مهم بود که کاملاً تاریخ امت اسلام را تحت تأثیر قرار داد. با روی کار آمدن علی علیه السلام به عنوان خلیفه مسلمین بررسی پرونده قتل خلیفه سوم در صدر برنامه امام قرار گرفت. با

آغاز درگیری‌های داخلی مسلمانان و قتل خلفاء و وقوع برخی بی‌عدالتی‌ها، این پرسش مطرح شد که مسئول این همه ناکامی کیست. هر گروهی بنا به دیدگاه خاص خود، در این باره اظهار نظر کرد.

نخستین گروهی که در این باره نظر دادند، خوارج بودند. این حکم به صورت ضمنی در لایه لای پرسش درباره «مرتکبان گناهان کبیره» مطرح می‌شد و آزمونی بود که نظرگاه سیاسی افراد و گروه‌ها را درباره حکومت و حاکمان اسلامی و مسئولان اوضاع نابسامان و آشفته اسلامی را مشخص می‌کرد. در پیدایش معتزله و شخصیت تاریخی حسن بصری مذاهب مختلف اسلامی اتفاق نظر داشته. بررسی اجمالی واپسین روزهای سطره معتزله مقدمه خوبی برای ورود به بحث شکل‌گیری عقاید کلامی اشعریان و دیدگاه‌های آنان است، خاصه آنکه پیدایش اشعریان، مانند معتزله، از بطن مکتب کلامی قبل از خود بوده است. همان‌طور که نخستین تابش‌های خورشید معتزلیان اولیه از مجلس وعظ و درس حسن بصری سر زد، مکتب کلامی اشعریان نیز با حالتی شبیه این جدل محفلی سر برآورد و بنیانگذار آن از شاگردان و پیروان مکتب کلامی معتزله بود. آنچه در این تحقیق مورد نظر است، بررسی اجمالی علل افول معتزله و برآمدن اشعریان و دلایل گسترش و دگرگونی این جریان است.

بی‌گمان بدون کاوش درباره بنیادهای اعتقادی معتزله، این امر میسر نیست، چون ممکن است عوامل زوال و فروپاشی یک مکتب، به طور عام، امری خارجی و بیرون از آن باشد، اما این تنها یک بخش از علت تامه سقوط است و بخش مهم آن به درون و ذات آن مکتب و به عبارت بهتر به مبانی اعتقادی آن مکتب با لوازم اجتناب‌ناپذیر باورهای آن باز می‌گردد. در بررسی علل زوال و فروپاشی معتزله معلوم می‌شود که همه این امور به نحوی دخالت داشتند و زمینه فرو کاستن از میزان مشروعیت آنان را فراهم آورد. آنها با منش عقلی و خردگرایانه گام برداشتند و کوشیدند خرد را در همه امور جاری سازند و عملاً چنین امری هم

صادر شد. افرادی که نمی‌دانند، معتزله چه اندیشه‌ای داشتند، کافی است، بدانند آنها چگونه می‌اندیشیدند تا به لوازم فکری، نتایج منطقی و پیامدهای حتمی و گریزناپذیر تفکر مکتب آنان پی ببرند.

ائتلاف پیروان مکتب معتزله با دستگاه خلافت ادامه داشت و به دلیل اینکه آنها به مسئله خلق قرآن اعتقاد داشتند و می‌خواستند مردم و حتی فقها و محدثان را به قبول این اصل وادارند، کار به خشونت و زور هم کشیده شد و چنانکه در تاریخ آمده است، این مسئله نتیجه معکوس داشت، زیرا عده‌ای از نرس، مجبور به بذیرفتن عقیده معتزلیان شدند، اما بسیاری در برابر آن ایستادگی نمودند. جنگ فرساینده معتزله با مخالفان خود در مورد خلق قرآن در سراسر دوران خلافت منصم و واثق ادامه داشت تا اینکه در دوران متوکل عباسی به پایان رسید و زمینه افول معتزله فراهم آمد. از یک سو مرگ خلفای طرفدار اصول کلامی اعتزال و از سوی دیگر روی کار آمدن خلفایی که با اصول اعتزال، یا میانه خوبی نداشتند یا از اوجدیری نفوذ و قدرت سیاسی معتزله هراس داشتند، زمینه فرو کاستن از قدرت و اعتبار سیاسی آنان را فراهم آورد. از همه مهم‌تر، تقسیم شدن معتزله به گروه‌های متعدد، زمینه افول و سقوط آنان را فراهم کرد و کم‌کم شکل‌گیری مکتب کلامی اشعریان را هموار ساخت و به دوران اوج و سیطره فکری، سیاسی و اجتماعی معتزله پایان داد.

سرآغاز مکتب اشعری غیر از بسترهای سیاسی، فرهنگی و مناظره و بحث و جدل پیرامون یک موضوع بود، یعنی درست همان اتفاقی که درباره اعتزال واصل بن عطاء از حلقه وعظ و درس حسن بصری رخ داد. اگر این دو حادثه را درست بدانیم، باید پیدایش دو مکتب بزرگ کلامی را به دو مناظره مجلس یا جدل منسوب کنیم. در اینجا هم یکی از مشخصه‌های بارز توانایی علمی در آن زمان، میزان قدرت اقناع مخالفان در مجالس بحث و مناظره بوده است. با این توصیف، چنان می‌نماید که مکتب کلامی اشعری، ادامه یا تکمیل‌کننده مکتب معتزله

است و این رویکرد، مورد توجه و استناد دسته‌ای از محققان قرار گرفته است. عده‌ای از محققان اعتقاد دارند که مشرب کلامی اشعری همان افکار و عقاید اعتزالی است، ولی آنها را در پاره‌ای موارد تعدیل ساخته و توانسته با این کار بسیاری از مردم را از مکتب اعتزال دور کند و به مذهب خود در آورد! واصل بن عطاء، به عنوان بنیانگذار نظام کلامی و اشعری به عنوان یکی از بنیانگذاران علم کلام در دوران نضج و تکامل آن شناخته می‌شوند، به طوری که بدون بیان رویکردهای کلامی او، علم کلام اسلامی ناتمام می‌ماند، زیرا اندیشه او تأثیر زیادی بر مباحث کلامی بر جای گذاشت و عده‌ای که راه او را دنبال کردند، در ساحت اندیشه و فرهنگ چنان زیاد بود که بسیاری از اندیشه‌ها، آثار، تألیفات و شاهکارهای هنری، ادبی و فقهی تحت تأثیر خود قرار دادند. بی‌گمان تحول فکری اشعری و انصراف اشکار او از مکتب اعتزال ضربه نهایی بر جسم نیمه جان معتزلیان بود.

در قرن پنجم سلجوقیان که از هواخواهان خلافت عباسی بودند، توانستند سرزمین‌های آسیای غربی را یکپارچه تصرف کنند و یک حکومت مرکزی نیرومند برقرار سازند که از لحاظ سیاسی تحت تسلط سلاطین سلجوقی و از لحاظ دینی در پناه خلافت بغداد باشد. در همین زمان بود که نایید محافل رسمی از مکتب کلامی اشاعره آغاز شد، و مراکزی برای تعلیم و اصول عقاید این مکتب و انتشار آن تأسیس و استقرار یافت و زمینه برای ظهور علمای دانشمندانی مانند امام الحرمین جوینی، ابوالمظفر اسفراینی، خواجه نظام الملک دوسوی و امام محمد غزالی فراهم شد. هر چند جریان اشعری را به ابوالحسن اشعری منسوب می‌کنند، اما بقاء، فراگیر شدن و نیز تبدیل شدن آن به عقیده اکثریت مسلمانان اهل سنت، به شاگردان او باز می‌گردد. شاگردان اشعری و بزرگانی که بعدها تحت عنوان علمای اشعری معروف شدند.

در این تحقیق تلاش نموده‌ام به فراخور دانش و توانایی خویش و با توجه به منابع و مآخذ موجود، به دلیل پیچیدگی ویژه‌ای که جریان‌های فکری از آن برخوردار است، دو اصل را رعایت کنم: یکی اصل پیوستگی و دوم اصل وابستگی مطالب مرتبط است که باعث طولانی شدن شرح بعضی از موضوعات شده است. برای فهم موضوع، ابتداء مبانی علم کلام بیان شده که پایه و اساس مکاتب و جریانات فکری است. سپس به فراز و فرود مکتب معتزله که بنیانگذاران علم کلام اند پرداخته شده است. در مرحله بعدی، به انشعاب اشعری و شکل‌گیری آن توجه شده است، در ادامه ظهور و برآمدن سلجوقیان که تحول جریان اشعری را به دنبال داشته، مورد توجه بوده است و در آخر عوامل مؤثر در گسترش و دگرگونی جریان اشعری و سایر مکاتب اسلامی مورد واکاوی قرار گرفته است.

در نهایت نمی‌توان در تحقیقی که بر اجمال و اختصار مبتنی است، همه مطالب را با تمام جوانب و جزئیات آنها بیان کرد، اما با همه کمبودهایی که وجود داشت، می‌تواند خلاء موجود در این زمینه را تا حدودی پر کند. امید می‌رود با انتقادهای سازنده صاحب نظران و پژوهشگران کاستی‌های آن برطرف و گامی مهم در زمینه بازشناسی علم کلام، عقاید و افکار متکلمان خصوصاً معتزله و اشاعره برداشته شود. ذکر همه تعاریف و بیان آنها کاری است که از عهده این مختصر بر نمی‌آید، این تحقیق در پنج فصل مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته و گزیده‌ای از تعاریف مرتبط که به مباحث اصلی ارتباط داشت، ارائه شده است. در داخل متون برای اختصار حروفی مانند (م: به معنای متوفی) و (حک: به معنای حکومت) بکار رفته است.